

تبیین حدود دینی احسان به والدین در آیات و روایات

معصومه باغگلی غلامرضا^۱

چکیده

احسان به والدین، به عنوان یکی از آموزه‌های کلیدی در تعالیم اسلامی، از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) بر اهمیت آن تأکید شده است. این مقاله با هدف بررسی و تبیین دقیق حدود دینی احسان به والدین، به تحلیل مفاهیم قرآنی و روایی در این زمینه پرداخته و تلاش دارد تا چارچوب‌هایی را که در آن احسان و اطاعت از والدین باید با رعایت دستورات الهی و احکام شرعی هماهنگ باشد، مشخص نماید. مسئله اصلی پژوهش، تعیین مرزهای اطاعت از والدین در مواردی است که خواسته‌های آنان با اوامر الهی یا حقوق دیگران تعارض دارد. روش تحقیق این مطالعه توصیفی تحلیلی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احسان به والدین در اسلام، فراتر از یک وظیفه رفتاری صرف، مستلزم رعایت مرزهای دینی و اخلاقی است. این حدود، نه تنها به تکریم و احترام در گفتار و رفتار محدود نمی‌شود، بلکه به چارچوب‌هایی اشاره دارد که از افراط و تفریط در تعامل با والدین جلوگیری می‌کند. از جمله این حدود، تقدم اطاعت از خداوند متعال بر خواسته‌های والدین در موارد تعارض، حفظ کرامت والدین بدون ورود به اطاعت بی‌قید و شرط، و رعایت حقوق سایر اعضای خانواده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که درک صحیح این چارچوب‌ها، افزون بر تأمین رضایت الهی، موجب استحکام بنیان خانواده، ایجاد تعادل در روابط فرزندان و والدین، و تقویت پیوندهای معنوی میان اعضای خانواده می‌شود. از این رو، احسان به والدین در اسلام به عنوان مفهومی جامع مطرح شده که در عین تأکید بر احترام و نیکوکاری، بر حفظ اصول دینی و اخلاقی نیز استوار است.

واژگان کلیدی: احسان به والدین، اطاعت از والدین، اولویت احکام الهی، حقوق والدین.

مقدمه

احسان به والدین، یکی از اصول محوری در نظام اخلاقی اسلام است که در آیات متعدد قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) بر اهمیت آن تأکید شده است. در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء، فرمان خداوند مبنی بر احترام به والدین و پرهیز از کوچک‌ترین بی‌احترامی به آنان آمده است. در عین حال، در

^۱ دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه فاطمیه کرمان، baghegoli.m@gmail.com

روایات نیز مصادیق متعددی از احسان و حقوق والدین بیان شده است که نشان‌دهنده جایگاه ویژه آن‌ها در نظام خانواده و جامعه است.

در آموزه‌های اسلامی، احسان و نیکی به والدین جایگاه والایی دارد و مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، اما این موضوع به معنای اطاعت مطلق از والدین در تمامی شرایط نیست. بلکه احسان به والدین حوزه‌ای گسترده‌تر از صرفاً پیروی از خواسته‌های آنان را در بر می‌گیرد و شامل احترام، تکریم، حمایت عاطفی و مالی، پرهیز از رفتارهای ناپسند، و حفظ شأن آنان در جامعه است. با این حال، در مواقعی که درخواست والدین با احکام الهی، فرامین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در تعارض باشد، اطاعت از خداوند مقدم است. قرآن کریم در این زمینه تصریح دارد که اگر والدین فرزند را به شرک یا گناه دعوت کنند، نباید از آنان پیروی کرد، اما همچنان باید با نیکی و احترام با آنان رفتار نمود: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا...»^۱ این آیه نشان‌دهنده آن است که حتی در شرایطی که اطاعت از والدین جایز نیست، همچنان باید با رفتار نیکو و محترمانه با آنان برخورد شود. علاوه بر این، احسان به والدین نه تنها در رعایت حقوق فردی و خانوادگی آنان خلاصه نمی‌شود، بلکه باید در چهارچوب عدالت، انصاف و رعایت حقوق دیگران نیز مورد توجه قرار گیرد. اگر خواسته والدین موجب ظلم به خود فرد یا سایرین شود، نه تنها الزام شرعی به اطاعت وجود ندارد، بلکه در برخی موارد مخالفت با چنین خواسته‌هایی ضروری خواهد بود. به عنوان نمونه، اگر والدین فرزند را از انجام وظایف شرعی، مانند اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، یا انجام تکالیف اجتماعی بازدارند، در چنین مواردی اطاعت جایز نیست.

این مقاله با هدف بررسی این موضوع، به تحلیل و تفسیر آیات و روایات پرداخته و تلاش دارد تا حدود دینی احسان به والدین را روشن کند.

به جهت اهمیت احسان و اطاعت از پدر و مادر مقالات زیادی نوشته شده است، از جمله این مقالات: مقاله بررسی تعارضات اطاعت از والدین از نظر فقه و حقوق به قلم امیررضا یلدوز و هادی فاطمی به تحلیل موضوع تعارض میان اطاعت از والدین و الزامات شرعی و حقوقی پرداخته و تأکید دارد که در موارد تعارض، اولویت با دستورات الهی و قوانین شرعی است. در جایی دیگر مقاله اطاعت از والدین نوشته فاطمه زارعی و عبدالمجید سخاوت که به جایگاه اطاعت از والدین در آموزه‌های اسلامی و بررسی ابعاد اخلاقی و حقوقی آن اشاره دارد. همچنین مقاله تأثیر احسان به والدین در سبک زندگی از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) نوشته مرجان پورسالاری زاده و سید حیدر طباطبایی حکیم به تأثیر رفتار نیکو با والدین

^۱ لقمان: ۱۵

در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) می‌پردازد و بر نقش تربیت اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی تأکید می‌کند. مقاله احسان به والدین از دیدگاه فقه اثر عمران خاتون، مفهوم احسان به والدین و جایگاه آن را در فقه اسلامی بررسی کرده و چارچوب‌های دینی مرتبط با آن را تبیین می‌نماید. در مقاله تأثیر احسان به والدین بر عاقبت به‌خیری فرزندان نوشته فریده رضانیای، یگانه گذری، فاطمه افچنگی و راضیه سادات علوی، تأثیرات مثبت رفتار نیکو با والدین بر سرنوشت و عاقبت به‌خیری فرزندان و ارتباط آن با برکت در زندگی تحلیل شده است.

این مقاله، با تأکید بر اولویت فرمان الهی، به روشن‌سازی محدوده واقعی احسان به والدین پرداخته و نشان می‌دهد که احترام و نیکوکاری نسبت به آنان، هرگز نباید موجب نادیده گرفتن اصول شرعی گردد. برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که عمدتاً به ابعاد کلی نیکی به والدین توجه داشته‌اند.

۱. مفهوم شناسی احسان

واژه «احسان» از ریشه «حُسْن» گرفته شده است. ابن فارس در تعریف آن می‌نویسد: «الحاء و السین و النون، اصل واحد، فالحُسْن ضد القُبْح»؛ یعنی این واژه از ریشه‌ای یگانه برخوردار بوده و مفهومی در برابر زشتی دارد. از این رو، احسان نه تنها به معنای انجام کار نیک، بلکه بیانگر رسیدن به اوج زیبایی در گفتار و رفتار است. این مفهوم، بُعدی فراتر از نیکی ساده داشته و نشان‌دهنده تعالی اخلاقی و کمال انسانی در روابط میان افراد، به‌ویژه در تعامل با والدین، محسوب می‌شود.

مفسران، با وجود دیدگاه‌های متفاوت در تفسیر برخی از آیات مرتبط، تلاش کرده‌اند تا تعریفی جامع از مفهوم احسان ارائه دهند. با این حال، بسیاری از این تعاریف به دلیل گستردگی مصادیق و عناصر مؤثر در مفهوم احسان و نیز نبود مرزبندی دقیق میان کاربردهای سه‌گانه آن، از جامعیت کافی برخوردار نیستند. تعاریفی مانند رساندن منفعتی نیکو و شایسته ستایش به دیگری،^۲ انجام عملی آگاهانه و به شکلی شایسته،^۳ و یا انجام کار به بهترین وجه ممکن با نیت الهی و بدون انتظار هرگونه پاداش یا جبران،^۴ از جمله این موارد هستند.

واژه «احسان» که در مقابل «اساءه» قرار دارد، دو کاربرد متفاوت دارد. این واژه با حروف اضافه‌ای مانند «إلی» و «باء» به معنای نیکی و خوبی کردن به فردی دیگر به کار می‌رود. اما زمانی که بدون حرف اضافه استفاده می‌شود، معنای انجام دادن کاری به شکل نیکو و شایسته و به صورت کامل را

^۱ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۷.

^۲ طوسی، التنبیان، ج ۲، ص ۱۵۳.

^۳ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۴۸.

^۴ طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۲۰.

می‌رساند.^۱ از این‌رو، احسان به والدین به معنای انجام هرگونه عمل خیر و نیکی در حق آنان است که شامل جنبه‌های متنوعی از رفتارهای گفتاری و عملی می‌شود. این مفهوم گسترده، نه تنها در برآوردن نیازهای مادی آنان تجلی می‌یابد، بلکه در ابراز احترام، محبت، و مراقبت‌های معنوی و اخلاقی نیز نمود پیدا می‌کند. احسان به والدین به‌عنوان یک مسئولیت اخلاقی و دینی، جلوه‌ای از تعهد انسان به ارزش‌های الهی و اجتماعی است که نشان‌دهنده پیوند عمیق میان وظایف انسانی و ایمان دینی است.^۲

۲. حدود اعتقادی احسان به والدین

شایسته است تأکید شود که اگرچه ممکن است این‌گونه به نظر برسد که رضایت والدین به‌صورت مطلق و بی‌قیدوشرط باید مدنظر قرار گیرد، اما این مسئله محدود به چارچوبی است که اطاعت از والدین با فرمان خداوند در تضاد نباشد. در واقع، احسان و احترام به والدین یک وظیفه الهی و اخلاقی است که حتی در شرایطی که آنان بر دینی غیر از اسلام باشند نیز ترک آن مجاز نیست. قرآن کریم و روایات اسلامی به صراحت بر این نکته تأکید دارند که تکریم والدین، امری ضروری است و در امور دنیوی، همراهی و اطاعت از آنان وظیفه‌ای است که برعهده فرزندان نهاده شده است.

با این حال، این اطاعت و همراهی نباید منجر به نافرمانی خداوند شود. به عبارت دیگر، اگر درخواست یا فرمان والدین در مسائل دینی و اعتقادی، مخالف آموزه‌های الهی و شریعت باشد، اطاعت از آنان جایز نیست. این محدودیت نه به معنای بی‌احترامی، بلکه به معنای اولویت‌بندی صحیح بر اساس فرمان خداوند و حفظ اصول توحیدی است.^۳

۲-۱ اطاعت از والدین در راستای اطاعت از خداوند از منظر قرآن

قرآن کریم در آیات متعددی، در کنار تأکید بر احسان و اطاعت از والدین، به طور روشن و حکیمانه این نکته را یادآور می‌شود که اطاعت از پدر و مادر نباید با فرمان الهی و عبودیت خداوند در تضاد باشد. اگر چنین تضادی رخ دهد و پیروی از والدین منجر به خروج از مسیر عبودیت و توحید شود، چنین اطاعتی نه‌تنها لازم نیست، بلکه جایز هم نخواهد بود. این اصل نشان‌دهنده اولویت مطلق خداوند در نظام ارزشی و عبادی انسان است.

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۷۹
^۲ آخوند، گونه‌شناسی تعامل نیکو با والدین از منظر قرآن، ص ۱۱۷
^۳ پایگاه اطلاع رسانی حوزه <https://hawzah.net>

خداوند متعال، پیش از آنکه ما را به اطاعت از والدین فراخواند، به صراحت ما را به عبودیت خویش و پذیرش اصل توحید دعوت کرده است. از دیدگاه قرآن، حق الهی بر بندگان، بالاترین و والاترین حق است که بر تمامی حقوق دیگر تقدم دارد. والدین، هرچند جایگاهی والا در نظام الهی دارند، اما این جایگاه نباید موجب نادیده گرفتن فرمان خداوند یا مخدوش کردن اصل توحید شود.

خداوند تبارک و تعالی در سوره توبه می فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَائِكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنَّ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۱

ای کسانی که ایمان آوردید، مگیرید پدرانتان و برادرانتان را دوستان، اگر اختیار کردند کفر را بر ایمان و کسانی که دوست بگیرند ایشانرا از شما، پس آنگروه آنانند ستمکاران^۲

آیه شریفه بر اساس ظاهر خود به صراحت بیان می دارد که مؤمنان نباید با کافران رابطه ولایی و دوستی قلبی برقرار کنند، حتی اگر این کافران از نزدیکترین افراد به آنها باشند، مانند پدر، مادر، فرزندان، خواهران، برادران، اقوام یا دوستان صمیمی. این دستور نشان دهنده اولویت ارزش های اعتقادی و دینی بر روابط خانوادگی و اجتماعی است. ولایت و محبت قلبی در اسلام جایگاهی مقدس دارد و باید در چارچوب ایمان و توحید معنا پیدا کند. از این رو، هرگونه رابطه ای که باعث تضعیف ایمان یا ایجاد وابستگی قلبی به غیر خداوند شود، نفی شده است. این امر نشان دهنده عمق آموزه های اسلامی در حفظ خلوص ایمان و دوری از تأثیرپذیری از تفکرات یا رفتارهای مخالف دین است.^۳

در آیه دیگر از سوره مبارکه لقمان، خداوند تبارک و تعالی اینچنین می فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...»^۴

وَإِنْ جَاهِدَاكَ: و اگر پدر و مادر تو با تمام توان تلاش کنند، عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي: تا تو را به شرک ورزی نسبت به من وادار کنند، مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: در مورد چیزی که هیچ دانشی درباره استحقاق آن نداری و صرفاً بر اساس تقلید کورکورانه و بدون هیچ دلیل و برهانی که بر شایستگی آن دلالت کند، بلکه در حالی که برهان و دلیل قطعی بر نفی استحقاق شریک برای خداوند وجود دارد. فَلَا تُطِعْهُمَا: پس در این صورت، از آنان فرمان برداری مکن و اطاعتشان را نپذیر. در عرصه زندگی دنیوی و امور مادی، با والدین خویش همواره با مهربانی، محبت، و ملاطفت رفتار کن، اما در زمینه اعتقادات دینی و برنامه های مذهبی، از

^۱ توبه: ۲۳

^۲ تفسیر تهرانی، روان جاوید، ج ۲، ص ۵۶۷

^۳ طیب، الطیب النبیان، ج ۸، ص ۱۹۸

^۴ لقمان: ۱۵

^۵ شاه عبدالظیمی، تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۳۴۴

طینت پاک و صلاح واقعی هستند. همانطور که در این آیه هم ذکر شده است، ابتدا اطاعت خداوند تبارک و تعالی آمده است، یعنی پرستش و اطاعت خداوند تبارک و تعالی مقدم است، اگر احیاناً پدر و مادر مورد خلاف شرعی را از فرزند خواستند، بدون اینکه به آنها بی احترامی کند یا حتی آنها را برچاند، از امر خلاف شرع و خلاف اطاعت خداوند تبارک و تعالی پرهیز کند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: « قَالَ فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ إِنَّ أَضَجْرَاكَ وَلَا تَنْهَرْهُمَا إِنَّ ضَرْبَاكَ وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَالْقَوْلُ الْكَرِيمُ أَنْ تَقُولَ لَهُمَا غَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا فَذَاكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ »^۱

اگر پدر و مادرت تو را ناراحت کردند، حتی کوچک‌ترین سخنی که نشانی از بی‌احترامی باشد، به آنان مگو. و اگر به تو آسیبی رساندند، نه تنها آنان را زجر نده، بلکه با مهربانی و ادب بگو: «خداوند شما را بیامرزد.» این رفتار همان آموزه‌ای است که در قرآن کریم آمده و بر احترام و نیکی به والدین تأکید دارد، حتی در شرایط سخت و دشوار.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» در باب احترام و حق که پدر و مادر به فرزند دارند، می فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ أَنْ لَا يُسَمِّيَهُ بِاسْمِهِ، وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَجْلِسَ قَبْلَهُ، وَلَا يَسْتَسَبِّ لَه.»^۲

«فرزند نباید پدر را با نامش خطاب کند، نباید در راه رفتن از او پیشی بگیرد، نباید پیش از او بنشیند و نباید کاری کند که موجب شود دیگران به پدرش دشنام دهند.»

این توصیه‌ها نشان‌دهنده جایگاه رفیع والدین در فرهنگ اسلامی است که نه تنها به نیکی و احسان به آنان فرمان می‌دهد، بلکه رعایت ظرایف اخلاقی در تعامل با ایشان را نیز لازم می‌داند. چنین احترامی نه تنها موجب استحکام روابط خانوادگی و افزایش محبت و صمیمیت می‌شود، بلکه زمینه‌ساز تربیت صحیح فرزندان در جامعه‌ای مبتنی بر اصول اخلاقی خواهد بود.

۳-۲ پدر و مادر در اولویت انفاق

خداوند تبارک و تعالی در سوره بقره می فرماید: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»^۳

^۱ مجلسی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۱۳، ص ۱۹۲

^۲ عاملی، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، ج ۷، ص ۳۳۷

^۳ بقره: ۲۱۵

از تو سؤال کنند که چه انفاق کنند؟ بگو: هر چه از مال خود انفاق کنی در باره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان رواست، و آنچه نیکویی کنی خداوند بر آن آگاه است.^۱

خیر تنها به امور مادی محدود نمی‌شود، بلکه شامل جنبه‌های معنوی نیز هست؛ هر چند تجلی آن اغلب در قالب انفاق اموال نمایان می‌شود. در ادامه آیه، با وجود گستردگی موارد انفاق، اولویت‌ها نیز مشخص شده‌اند که در این میان، پدر و مادر در صدر قرار دارند و سپس افراد نیازمند نزدیک به انسان مورد تأکید قرار گرفته‌اند. تقدم انفاق به پدر و مادر بر سایر گروه‌ها دلایل متعددی دارد که می‌توان به این موارد اشاره کرد: نخست اینکه انفاق به والدین، علاوه بر انفاق، نوعی صله رحم و احسان به آنان نیز محسوب می‌شود. دوم، در بسیاری از موارد، فرزندان پس از تشکیل خانواده، والدین را از یاد می‌برند؛ خداوند در این آیه به آنها تذکر می‌دهد که هرگز والدین خود را فراموش نکنند. سوم، سختی‌ها و رنج‌هایی که پدر و مادر برای رفاه و آسایش فرزندان متحمل می‌شوند و نقشی که در تحقق اراده الهی در پرورش انسان دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نهایت، حق والدین از حقوق دیگران برتر است، زیرا خداوند احسان به پدر و مادر را در کنار توحید قرار داده و آن را از نشانه‌های ایمان و تقرب به خود معرفی کرده است.^۲

۳-۳ نگاه محبت آمیز به پدر و مادر

در قرآن به‌طور خاص به موضوع نگاه به پدر و مادر اشاره نشده است، اما در روایات معصومان، نگاه به چهره والدین و نحوه برخورد با آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. در احادیث آمده است که نگاه به چهره پدر و مادر باید با کمال احترام و محبت همراه باشد، زیرا هر نوع بی‌احترامی و نگاه نادرست به آنها، به‌ویژه اگر همراه با کلمات ناگوار یا رفتار زشت باشد، در اسلام به عنوان عقوق و گناه بزرگ تلقی می‌شود. به‌طور کلی، در روایات معصومان تأکید شده که حتی نگاه به پدر و مادر باید به‌گونه‌ای باشد که موجب رنجش و ناراحتی آنها نشود، بلکه باید با نرم‌خویی، ادب، و محبت باشد، چراکه این نوع رفتار از نشانه‌های احترام به حقوق والدین و نمونه‌ای از بهترین شیوه‌های اخلاقی در اسلام است.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ۲۴ سوره اسراء اینطور می‌فرماید: «لَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَدْنَى مِنْ أَفٍّ لَنَهَى عَنْهُ، وَهُوَ أَدْنَى الْعُقُوقِ، وَ مِنْ الْعُقُوقِ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى وَالِدَيْهِ فَيُحِدَّ النَّظَرَ إِلَيْهِمَا».^۳

اگر خداوند چیزی کمتر از گفتن «اف» (اوه) را سراغ داشت، قطعاً از آن نیز نهی می‌کرد، زیرا این عبارت کمترین مرتبه بی‌احترامی به والدین است. یکی از مصادیق عاق شدن که در روایات به آن اشاره شده،

^۱ سایت دانشنامه اسلامی <https://wiki.ahlolbait.com>

^۲ جواد آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۰، ص ۵۱۷.

^۳ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۹

نگاه تند و خیره به پدر و مادر است، چراکه چنین نگاهی می‌تواند به‌تنهایی نشان‌دهنده بی‌احترامی و ناسپاسی باشد و موجب رنجش آنان گردد.

در حدیثی دیگر از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در باب نگاه مهربانانه به پدر و مادر اینطور نقل شده است: «ما وَلَدٌ بَارٌّ نَظَرَ إِلَى آبَوَيْهِ بِرَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةً نَظْرَةً»^۱

هر فرزند نیکوکار که با مهربانی و محبت به پدر و مادر خود نگاه کند، به ازای هر نگاه، پاداشی معادل یک حج کامل و مقبول از سوی خداوند به او عطا می‌شود. زمانی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند: «آیا این پاداش حتی اگر فرزند روزی صد مرتبه به پدر و مادر خود نگاه کند نیز داده می‌شود؟» ایشان فرمودند: «بله، چراکه خداوند بزرگ‌تر و کریم‌تر از آن است که لطف و رحمت خود را محدود کند.»

از این حدیث می‌توان دریافت که فرزندان نه‌تنها موظف به رعایت احترام در گفتار و رفتار خود نسبت به والدین هستند، بلکه باید از طریق نگاه محبت‌آمیز نیز مهر و قدردانی خود را به آنان ابراز کنند. این نگاه مهربانانه نشانه‌ای از ادب، شکرگزاری و درک ارزش جایگاه والدین است و به ایجاد پیوندهای عاطفی عمیق‌تر میان خانواده کمک می‌کند. چنین رفتاری نه تنها موجب رضایت والدین می‌شود، بلکه موجبات خشنودی خداوند را نیز فراهم می‌آورد و نشانگر رشد معنوی و اخلاقی فرزند است.

نتیجه

احسان به والدین در آموزه‌های اسلامی، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین وظایف اخلاقی و دینی معرفی شده است که رعایت آن موجب رضایت الهی و برکت در زندگی می‌شود. با این حال، این وظیفه دارای حدود مشخصی است که رعایت آن‌ها ضروری است. بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که اطاعت از والدین زمانی واجب است که خواسته‌های آنان با دستورات الهی یا حقوق دیگران تعارض نداشته باشد. در مواردی که خواسته‌های والدین مغایر با اوامر خداوند تبارک و تعالی، پیامبر اکرم (ص)، و ائمه معصومین (ع) باشد، اطاعت از خداوند و رعایت احکام شرعی در اولویت است و نباید در این زمینه از والدین پیروی کرد.

این پژوهش نشان می‌دهد که احسان به والدین، فراتر از احترام ظاهری، شامل توجه به نیازهای مادی، معنوی، و روحی آنان است، اما این احسان باید در چارچوب اصول دینی انجام شود. رعایت این مرزها

^۱ مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۷۴، ص ۷۳.

^۲ آخوند، گونه‌شناسی تعامل نیکو با والدین از منظر قرآن، ص ۱۳۴

موجب می‌شود که احسان به والدین به یک وظیفه اخلاقی تبدیل شود که در آن تعادل میان حقوق والدین، فرزندان، و احکام شرعی برقرار گردد. در نهایت، این مقاله تأکید دارد که پایبندی به چارچوب‌های دینی در رابطه با والدین، علاوه بر تقویت بنیان خانواده، به تقویت ارتباط انسان با خداوند و جامعه منجر خواهد شد.

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی. الخصال. قم: انتشارات جامعه مدرسین. ۱۳۶۲ هـ ش
- ۲- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۳۶۳). معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳- مجلسی، محمد باقر. بحارالانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث. ۱۴۰۳ هـ ق
- ۴- حویزی، عبدعلی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان. ۱۴۱۵ هـ ق.
- ۵- الشیخ الطوسی، تفسیر التبیان. بیروت: دارالاحیاء التراث. قرن ۵ هـ ق.
- ۶- طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. ۱۳۵۰ هـ ش
- ۷- الشیخ الطبرسی. تفسیر مجمع البیان. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. ۱۴۱۵ هـ ق.
- ۸- شاه عبدالعظیمی، حسین. تفسیر اثنی عشری. تهران: نشر میقات. ۱۳۶۳ هـ ش.
- ۹- طیب، عبدالحسین. تفسیر اطیب البیان. تهران: نشر اسلام. ۱۳۷۸ هـ ش.
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر. برگزیده تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۸۶ هـ ش.
- ۱۱- محمدی، نظر پور، طاهر، حمزه. بررسی قاعده «لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق». فصلنامه فقه و مبانی حقوق. شماره ۲، ۱۳۹۶ هـ ش
- ۱۲- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۱۳- آخوند، سکینه. گونه شناسی تعامل نیکو با والدین از منظر قرآن. پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده. شماره ۲، ۱۳۹۳ هـ ش.
- ۱۴- مجلسی، محمد تقی. روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمه). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور. ۱۴۰۶ هـ ق.
- ۱۵- الحر العاملی. هدیة الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه. ۱۴۱۲ هـ ق.
- ۱۶- قرائتی، محسن. تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. ۱۳۸۳ هـ ش.
- ۱۷- جوادی آملی، عبدالله. تسنیم. قم: اسراء. ۱۳۸۵ هـ ش.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الإسلامیه. ۱۴۰۴ هـ ق.
- ۱۹- سایت دانشنامه اسلامی <https://wiki.ahlolbait.com>
- ۲۰- پایگاه اطلاع رسانی حوزه <https://hawzah.net>